



رقابت‌های ژئوپلیتیکی چین و هند در عرصه کریدورها در پرتو نقش آفرینی آمریکا*



یوسف جعفری** - دکتر رحمت حاجی‌مینه*** - دکتر نوذر شفیعی****

This is an [open access](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

در دهه‌های اخیر، رقابت ژئوپلیتیکی میان چین و هند به‌عنوان دو قدرت نوظهور آسیایی در عرصه توسعه کریدورهای اقتصادی و تجاری منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شدت یافته است. در این میان، ایالات متحده آمریکا به‌عنوان بازیگری فرامنطقه‌ای، از طریق بهره‌گیری از ابزارهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی تلاش می‌کند این رقابت را به نفع منافع راهبردی خود مدیریت و مهار نماید. این مقاله با استفاده از روش کیفی و رویکرد تحلیلی-تبیینی، نقش آمریکا در چارچوب رقابت ژئوپلیتیکی چین و هند در عرصه کریدورها را مورد بررسی قرار می‌دهد، پرسش اصلی مقاله اینست که نقش ایالات متحده در رقابت ژئوپلیتیکی چین و هند در عرصه کریدورها چیست و این نقش چه تأثیری بر نظم منطقه‌ای دارد؟ داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای و اسناد سیاست خارجی جمع‌آوری و براساس چارچوب نظری رقابت ژئوپلیتیکی تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که چین از طریق «ابتکار کمربند و راه» و توسعه کریدورهای متعدد منطقه‌ای، به دنبال افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی در آسیا، خاورمیانه، آفریقا و اروپاست؛ در مقابل، هند هم کریدورهای جایگزینی همچون کریدور شمال-جنوب و با حمایت مستقیم ایالات متحده، کریدور هند-خاورمیانه-اروپا را توسعه می‌دهد. آمریکا با تقویت هند، مخالفت با پروژه‌های چین و ارائه گزینه‌های جایگزین، به دنبال مهار و مدیریت نفوذ رو به گسترش پکن است. این نقش ایالات متحده نه تنها رقابت ژئوپلیتیکی را تشدید کرده، بلکه موازنه قدرت در عرصه کریدورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به‌طور معناداری تحت تأثیر قرار داده است.

کلیدواژگان: رقابت ژئوپلیتیکی، کریدورهای اقتصادی، چین، هند، ایالات متحده آمریکا

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری روابط بین‌الملل یوسف جعفری با عنوان «تبیین نقش کریدورها در رقابت‌های ژئوپلیتیکی چین و هند» با راهنمایی دکتر رحمت حاجی‌مینه است.

** گروه روابط بین‌الملل، واحد تهران-شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

*** دانشیار گروه حقوق، واحد تهران-شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. / نویسنده مسئول / ایمیل:

Rahmat.Hajimineh@iau.ac.ir

**** دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

در عصر حاضر، تحول در ساختار نظام بین‌الملل، ظهور قدرت‌های نوظهور و تغییر در الگوهای تعامل اقتصادی، سیاسی و امنیتی، سبب شده است تا مناطق مختلف جهان به صحنه رقابت‌های فزاینده ژئوپلیتیکی تبدیل شوند. در این میان، آسیا به‌ویژه جنوب و شرق آن، به واسطه موقعیت ژئواستراتژیک، ظرفیت‌های اقتصادی و جمعیتی و دسترسی به مسیرهای مهم تجاری، به کانون اصلی این رقابت‌ها بدل شده است. چین و هند به‌عنوان دو قدرت بزرگ آسیایی، طی دو دهه اخیر تلاش کرده‌اند تا از طریق توسعه کریدورهای اقتصادی و تجاری، جایگاه منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای خود را تثبیت و ارتقا بخشند.

چین با طرح کلان «ابتکار کمربند و راه» کوشیده است تا از مسیر سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، ایجاد پیوندهای اقتصادی فرامرزی و تسهیل تجارت، نفوذ ژئوپلیتیکی خود را در مناطق مختلف از شرق آسیا تا اروپا و آفریقا گسترش دهد. در مقابل، هند نیز با هدایت و حمایت آمریکا و با هدف مقابله با نفوذ فزاینده چین، به توسعه کریدورهای جایگزین نظیر کریدور بین‌المللی حمل‌ونقل شمال-جنوب و کریدور هند-خاورمیانه-اروپا روی آورده است. این رقابت در زمینه اتصال‌پذیری و ترانزیت کالا، تنها به دو کشور، محدود نمانده و سایر بازیگران بین‌المللی نیز به اشکال مختلف در آن مداخله کرده‌اند.

از این منظر، رقابت ژئوپلیتیکی چین و هند در عرصه کریدورها دیگر صرفاً تقابل دو قدرت منطقه‌ای نیست، بلکه به عرصه‌ای برای رقابت راهبردی میان واشنگتن و پکن نیز تبدیل شده است. در نتیجه، مطالعه این پدیده نیازمند درک هم‌زمان منطق رقابت‌های منطقه‌ای و مداخله بازیگران فرمانطقه‌ای است.

این مقاله با هدف تحلیل نقش ایالات متحده در چارچوب رقابت چین و هند در عرصه کریدورها، تلاش دارد با اتکا بر روش کیفی و رویکرد تحلیلی-تبیینی، ابعاد مختلف این رقابت را از منظر ژئوپلیتیکی مورد بررسی قرار دهد. پرسش اصلی مقاله آن است که نقش ایالات متحده در رقابت ژئوپلیتیکی چین و هند در عرصه کریدورها چیست و این نقش چه تأثیری بر نظم منطقه‌ای دارد؟ در پاسخ به این پرسش، مقاله بر این فرض استوار است که راهبرد ایالات متحده عمدتاً مبتنی بر مهار نفوذ چین از طریق حمایت از پروژه‌های رقیب و تقویت هم‌گرایی با هند در چهارچوب اهداف ژئوپلیتیکی بلندمدت خود است. بر این اساس، ابتدا چارچوب نظری رقابت ژئوپلیتیکی طرح گردیده و سپس بر مبنای آن راهبرد کریدوری دو کشور چین و هند و اهداف ژئوپلیتیکی آنها و همین‌طور نقش ایالات متحده آمریکا در رقابت ژئوپلیتیکی میان آنها در عرصه کریدورها مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۱- پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، هم‌زمان با افزایش نقش قدرت‌های نوظهور آسیایی در نظم بین‌الملل، مطالعات گسترده‌ای پیرامون رقابت چین و هند در حوزه‌های ژئوپلیتیک، ژئواکونومی و دیپلماسی زیرساختی

صورت گرفته است. با توجه به گسترش ابتکار «کمر بند و راه» چین و واکنش هند از طریق پروژه‌هایی چون کریدور شمال-جنوب^۱ و کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا (کریدور آی‌مک)^۲، کریدورها به عنوان یکی از محوری‌ترین میادین این رقابت مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته‌اند. در عین حال، مداخله آمریکا در این رقابت، به ویژه پس از تدوین راهبرد «هند-پاسیفیک» و تشکیل ائتلاف‌هایی چون کواد، سطحی جدید از پیچیدگی به آن افزوده است.

تیشه‌یار و فتحی در مقاله خود تحت عنوان «رقابت هژمونیک چین و هند در جنوب و جنوب شرق آسیا» (تیشه‌یار و فتحی، ۱۳۹۷: ۸۴-۶۵)؛ (Tishehyar, Fathi, 2018: 65-86) تحلیلی ژئوپلیتیکی بر مبنای رویکرد واقع‌گرایانه ارائه داده و بر نقش کریدورها به عنوان ابزار نفوذ غیرمستقیم تأکید کرده‌اند. همچنین این مقاله به بررسی تلاش‌های چین و هند برای تثبیت نفوذ خود در کشورهای آسیای جنوبی و جنوب شرقی پرداخته و تأکید دارد که هر دو قدرت با بهره‌گیری از دیپلماسی اقتصادی و زیرساختی به دنبال ایجاد حوزه نفوذ پایدار هستند. تمرکز اصلی مقاله بر ابعاد ژئوپلیتیکی و اقتصادی رقابت است و نشان می‌دهد که کریدورها بخشی از استراتژی کلان چین و هند برای ارتقای موقعیت ژئواستراتژیک خود هستند. نقطه ضعف مقاله این است که به نقش ایالات متحده در این رقابت اشاره‌ای نمی‌کند و ساختار رقابت سه‌جانبه را تحلیل نمی‌نماید.

در سطح نظری نیز چگنی‌زاده و رضوی در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه اقیانوس هند در رقابت راهبردی چین و هند» (چگنی‌زاده و رضوی، ۱۴۰۲: ۴۱-۷)؛ (Chegnizadeh, Razavi, 2023: 7-41) فضای ژئوپلیتیکی رقابت این دو کشور در حاشیه دریاهای فارس و خلیج فارس، کانون جدیدی از برخورد منافع چین و هند است. این پژوهش با تمرکز بر رقابت دریایی میان دو کشور، توضیح می‌دهد که بنادر استراتژیک و خطوط کشتیرانی به ابزارهای نوین رقابت در اقیانوس هند تبدیل شده‌اند. نویسندگان به تشریح نقش بنادر سریلانکا، بنگلادش و گوآدر در سیاست چین می‌پردازند و ابتکار «ساگار»^۳ هند را پاسخ مستقیم به آن می‌دانند. با این وجود، نقش آفرینی ایالات متحده در شکل‌دهی این رقابت و تأثیر سیاست‌های واشنگتن بر نظم منطقه‌ای، در این مقاله برجسته نشده است.

همچنین کاپلان در کتاب «مونسون: اقیانوس هند و آینده قدرت آمریکا» با تمرکز بر اهمیت ژئوپلیتیکی اقیانوس هند» (کاپلان، ۲۰۱۰)، استدلال می‌کند که این منطقه به زودی به محور رقابت قدرت‌های بزرگ، به ویژه چین، هند و آمریکا تبدیل خواهد شد. کاپلان نشان می‌دهد که چین با گسترش نفوذ دریایی‌اش و هند با بازتعریف جایگاه منطقه‌ای خود، در حال رقابت برای سلطه در این حوزه هستند و آمریکا باید برای حفظ قدرت جهانی‌اش حضور فعالی در این منطقه داشته باشد. این اثر از منظر تحلیل راهبردی، نقش آمریکا را در موازنه‌سازی میان چین و هند در عرصه کریدورها

^۱ North-South Transport Corridor (INSTC)

^۲ India-Middle East-Europe Corridor (IMEC)

^۳ Security and Growth for All in the Region (SAGAR)

ساگار: ابتکار استراتژیک دریایی هند در اصل بر ارتقاء امنیت، توسعه اقتصادی، و همکاری‌های منطقه‌ای در حوزه اقیانوس هند تمرکز دارد تا هند نقش فعال‌تری در منطقه ایفا کند و منافع ملی خود را تأمین کند.

و مناطق پیرامونی برجسته می‌سازد.

مرشایمر در کتاب «تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ»^۱ (مرشایمر، ۲۰۱۴؛ Mearsheimer, 2014) استدلال می‌کند که قدرت‌های بزرگ ذاتاً به دنبال افزایش قدرت خود هستند، زیرا در یک نظام بین‌المللی آنارشیک، بقا در گرو کسب برتری نسبی است. او نشان می‌دهد که رقابت و منازعه میان قدرت‌ها، نه نتیجه سوء تفاهم یا اشتباه، بلکه پیامد اجتناب‌ناپذیر ساختار نظام بین‌الملل است. این کتاب می‌تواند مبنایی نظری برای تبیین رقابت ژئوپلیتیکی چین و هند و نقش موازنه‌گر آمریکا در این فرآیند باشد.

کمال‌یار، میرترابی و مدرس در مقاله‌ای با عنوان «راهبرد مهار آمریکا و گسترش حضور بین‌المللی چین در قالب ابتکار کمربند و راه» (کمال‌یار، میرترابی و مدرس، ۱۴۰۳: ۸۸-۶۳؛ Kamalyar. Mirtorabi. Modarres, 2023: 63-88) به بررسی راهبرد چرخش آمریکا به سمت آسیا برای مهار خیزش چین می‌پردازد. در حالیکه ما در این پژوهش دامنه گسترده‌تری برای بررسی انتخاب نموده و علاوه بر چین به رقابت‌های ژئوپلیتیکی هند هم خواهیم پرداخت.

غفارزاده، برزگر و توسلی رکن‌آبادی در مقاله‌ای تحت عنوان «جنگ تجاری آمریکا و چین؛ تأثیرات آن بر روابط ایران و چین» (غفارزاده، برزگر و توسلی رکن‌آبادی، ۱۴۰۳: ۶۱-۳۱؛ Ghafarzadeh. Barzegar. Tavassoli Roknabadi, 2024: 31-61) به بررسی تیرگی روابط بین چین و آمریکا و تقویت روابط با کشورهای نفت‌خیز از جمله ایران می‌پردازد. در حالیکه پژوهش ما سطح گسترده‌تری را در مورد بررسی قرار داده و محدود به یک کشور نخواهد بود.

دهشیار و پورباقر در مقاله‌ای تحت عنوان «رقابت راهبردی آمریکا و چین در طرح‌های زیرساختی ساخت جهانی بهتر و کمربند-راه» (دهشیار و پورباقر، ۱۴۰۲: ۴۹-۷؛ Daheshiar. Pourbagher, 2023: 7-49) به بررسی رقابت میان آمریکا و چین در دو طرح ساخت جهانی بهتر و کمربند و راه پرداخته و اهداف آن دو طرح را مورد بررسی قرار داده‌اند. نقطه قوت پژوهش ما علاوه بر بررسی ابتکار کمربند و راه و بخش‌های مختلف آن، اشاره به طرح‌های هند در این زمینه و همین‌طور سایر برنامه‌ها و اهداف آمریکا در این عرصه است.

در مقاله خوانساری و نورمحمدی با عنوان «مؤلفه‌ها و چالش‌های سیاست خارجی چین در قبال عربستان سعودی» (خوانساری و نورمحمدی، ۱۴۰۳: ۳۲۳-۳۴۷؛ Khansari & Nourmohammadi, 2025: 323-347) نیز بر مسائل مربوط به طرح کمربند-راه چین تأکید شده است. در این مقاله نیز به تغییرات قدرت در عرصه جهانی و قدرت گرفتن چین تأکید شده است، این مقاله بر منطقه خاورمیانه متمرکز شده است.

نوآوری مقاله این است که در حالی که بیشتر مطالعات پیشین صرفاً به توصیف پروژه‌های چین (مانند ابتکار کمربند و راه) یا واکنش هند پرداخته‌اند، این پژوهش با رویکرد تحلیلی-تبیینی، سعی کرده است پیوند نظام‌مند میان استراتژی‌های کریدوری آمریکا، چین و هند را تبیین کند و نشان

^۱. The Tragedy of Great Power Politics

دهد چگونه زیرساخت‌ها به ابزاری برای بازی قدرت میان این سه بازیگر تبدیل شده‌اند.

۲- چارچوب نظری

مفهوم ژئوپلیتیک از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، با آراء نظریه‌پردازانی همچون فریدریش راتزل، هالفورد مکیندر، آلفرد ماهان و نیکولاس اسپایکمن وارد ادبیات راهبردی شد. در این نظریه‌ها، جغرافیا به مثابه یک متغیر بنیادین در قدرت ملی و رفتار بین‌المللی بازیگران تلقی می‌شد. به عنوان نمونه، نظریه «قلب زمین» مکیندر بر این فرض استوار بود که سلطه بر مناطق اوراسیا، به‌ویژه آسیای مرکزی، به معنای کنترل بر سرنوشت جهانی است. در این چارچوب، رقابت ژئوپلیتیکی را می‌توان به‌طور کلی چنین تعریف کرد: «فرآیند راهبردی میان دو یا چند بازیگر سیاسی، با هدف تسلط یا اعمال نفوذ بر مناطق جغرافیایی دارای اهمیت استراتژیک، به‌منظور تضمین منافع ملی، افزایش قدرت نسبی، یا بازتعریف نظم منطقه‌ای و جهانی» (Chetierian, 2023: 1294-1271).

عمل یا فرایند رقابت نیز عبارت است از: تلاش برای دریافت چیزی یا پیروزی بر چیزی که قدرت دیگری، نیز برای دریافت آن یا پیروزی، در تلاش است (احمدی، حافظ‌نیا، بدیعی ازنده‌ای و حیدری موصول، ۱۳۹۷: ۲۰۳)؛ (Ahmadi, Hafeznia, Badieeazandahi, Haydarimouslo, 2018: 203) رقابت ژئوپلیتیک بر مفاهیمی اساسی مانند پویایی، تحرک و تضاد منافع استوار است. نظریه رقابت ژئوپلیتیک به مطالعه و تحلیل تعاملات، رقابت‌ها و تنش‌ها میان کشورها در چارچوب جغرافیا و سیاست می‌پردازد. این نظریه به بررسی چگونگی استفاده کشورها از موقعیت جغرافیایی خود برای کسب قدرت و نفوذ در سطح منطقه‌ای و جهانی اشاره دارد. عناصر کلیدی نظریه رقابت ژئوپلیتیک شامل موقعیت جغرافیایی و منابع طبیعی، قدرت نظامی، اقتصادی و سیاسی، و همچنین عوامل فرهنگی و ایدئولوژیک هستند. (مصلح، بغیری، ۱۴۰۳: ۱۲)؛ (mosleh, beghayri, 2024: 12) بنابراین، «رقابت ژئوپلیتیکی ترکیبی از عناصر قدرت سخت (نظامی، اقتصادی) و نرم (دیپلماسی، نفوذ فرهنگی، فناوری) است که در بستر جغرافیای سیاسی معنا می‌یابد. این رقابت عمدتاً میان قدرت‌های بزرگ یا منطقه‌ای جریان دارد، اما آثار آن بر کشورهای کوچک‌تر و نظم‌های منطقه‌ای نیز قابل مشاهده است» (Mykhailova-Kacimi, 2022: 133-144).

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، برخی نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل از پایان رقابت‌های ژئوپلیتیکی کلاسیک سخن گفتند و استدلال کردند که جهانی‌شدن، وابستگی متقابل اقتصادی و گسترش نهادهای بین‌المللی، فضای کنش بازیگران را از منطق سرزمینی و رقابتی به سمت منطق همکاری سوق داده است. با این حال، «حوادث دهه‌های اخیر از جمله بحران اوکراین، تنش در دریای چین جنوبی، رقابت در کریدورهای ترانزیتی و تقابل ایالات متحده با چین و روسیه، نشان داد که ژئوپلیتیک نه تنها از بین نرفته، بلکه با چهره‌ای نوین و پیچیده‌تر در حال بازتعریف است» (Hollis, 2023: 81-102).

در نظم چندقطبی نوظهور، بازیگران اصلی به جای تمرکز صرف بر مداخلات نظامی، به توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل، سرمایه‌گذاری در مناطق راهبردی، پیمان‌های تجاری و فناوری‌های ژئو-

اقتصادی روی آورده‌اند؛ به عبارت دیگر، رقابت ژئوپلیتیکی از تقابل آشکار نظامی به سمت رقابت ساختاری بر سر شکل‌دهی به نظم منطقه‌ای و مسیرهای نفوذ سوق یافته است (Kolossoy & Turovsky, 2007: 141-164).

۲-۱- عناصر کلیدی رقابت ژئوپلیتیکی

موقعیت جغرافیایی: مناطق خاصی از جهان، به واسطه موقعیت جغرافیایی، منابع طبیعی، یا نقش ترانزیتی، اهمیت ویژه‌ای دارند. مناطقی چون آسیای مرکزی، خاورمیانه، دریای چین جنوبی، قطب شمال و شرق اروپا همواره در کانون رقابت‌های ژئوپلیتیکی قرار داشته‌اند (Delvoie, 1997: 187-188). نظریه‌پردازانی مانند هالفورد مکیندر و نیکلاس اسپایکمن با ارائه مفاهیم «قلب زمین» و «لبه زمین»^۱، نخستین بنیان‌های نظری ژئوپلیتیک مدرن را پی‌ریزی کردند (Mackinder, 1904; Spykman, 1942). در منطق آنان، کنترل بر مناطق کلیدی جغرافیایی به منزله کسب برتری جهانی بود. در دوران کنونی، این منطق به گونه‌ای نوین در قالب «اتصال‌پذیری استراتژیک» بازتولید شده است. در این نگاه «کریدورهای اقتصادی و زیربنایی، ابزاری برای افزایش نفوذ، تسلط نرم و ساخت نظم منطقه‌ای به شمار می‌آیند» (Khanna, 2016: 212). پروژه «ابتکار کمربند و راه»^۲ چین (BRI)، با هدف ایجاد شبکه‌ای عظیم از زیرساخت‌های حمل‌ونقل، انرژی و فناوری اطلاعات، به‌روشنی بر اساس این منطق ژئوپلیتیکی طراحی شده است. چین با اتصال مناطق آسیای مرکزی، خاورمیانه، آفریقا و اروپا در پی بازتعریف نقش خود به‌عنوان مرکز ثقل اقتصاد جهانی است. در مقابل، ایالات متحده با حمایت از هند و ترویج پروژه‌هایی چون «کریدور حمل و نقل شمال-جنوب» و «کریدور هند-خاورمیانه-اروپا»، تلاش می‌کند بدیلی برای مسیرهای تحت نفوذ چین ارائه دهد و فضای ژئوپلیتیکی رقبای محدود سازد.

قدرت نظامی، اقتصادی و سیاسی: این رقابت معمولاً میان بازیگران دارای قدرت مادی (نظامی، اقتصادی، فناورانه) شکل می‌گیرد. چین، آمریکا، روسیه، هند، اتحادیه اروپا، ترکیه و ایران از جمله بازیگران اصلی این رقابت در سطوح مختلف هستند (Hoekman, 2022: 15). بر اساس رویکردهای نئورئالیستی، ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل دولت‌ها را به سمت موازنه‌سازی سوق می‌دهد (Waltz, 1979; Mearsheimer, 2001). در این منطق، چین به‌عنوان قدرتی در حال خیزش، تهدیدی برای نظم موجود تلقی می‌شود و ایالات متحده با ایجاد ائتلاف‌ها، تجهیز شرکای منطقه‌ای و تقویت مسیرهای استراتژیک جایگزین در پی مهار آن بر می‌آید. هند نیز، با استفاده از فرصت ناشی از رقابت چین-آمریکا، در تلاش است موقعیت خود را به‌عنوان یک قدرت میانه در سطح منطقه‌ای و جهانی ارتقا بخشد.

^۱. Heartland

^۲. Rimland

^۳. Belt and Road Initiative (BRI)

ائتلاف‌های نوین مانند کواد^۱ و پیمان آکوس^۲ را می‌توان بخشی از راهبرد مهار گسترده‌تر ایالات متحده در برابر چین دانست. در این چارچوب، کریدورها نه فقط مسیرهای تجاری، بلکه شریان‌های رقابت ژئوپلیتیکی‌اند که موازنه قدرت را در سطح مناطق تعیین می‌کنند. ابزارهای رقابتی (عوامل فرهنگی و ایدئولوژیک): رقابت ژئوپلیتیکی دیگر صرفاً نظامی نیست، بلکه طیف وسیعی از ابزارها مانند پروژه‌های زیرساختی، سرمایه‌گذاری خارجی، پیمان‌های منطقه‌ای، تحریم‌ها، فناوری و دیپلماسی فرهنگی در آن ایفای نقش می‌کنند. در نظریه‌های نوژئوپلیتیکی، مفهوم قدرت صرفاً به ابزارهای نظامی محدود نمی‌شود، بلکه ابزارهای اقتصادی، فنی و روایی نیز در قالب «قدرت هوشمند» در رقابت قدرت‌ها به کار گرفته می‌شوند. چین از طریق بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا^۳ صندوق راه ابریشم و توافقات دوجانبه با کشورهای درحال توسعه، در پی خلق وابستگی‌های ساختاری بلندمدت است. این وابستگی‌ها اگرچه به ظاهر اقتصادی‌اند، اما عملاً ابعاد ژئوپلیتیکی دارند و موجب بازتوزیع قدرت در سطوح منطقه‌ای می‌شوند. در پاسخ، آمریکا با طراحی ابتکاراتی چون «مشارکت در توسعه زیرساخت‌های جهانی»^۴، «ابتکار ساختن جهانی بهتر»^۵ (بهودی‌نژاد، ۱۴۰۰: ۱)؛ (Behboodinejad, 2021: 1) و حمایت از پروژه‌های مورد نظر هند، به دنبال ارائه جایگزین‌هایی برای کشورهای آسیایی، آفریقایی و خاورمیانه‌ای است تا وابستگی آن‌ها به چین را کاهش دهد. رقابت میان این پروژه‌ها، تجلی روشنی از کارکرد ژئوپلیتیکی ابزارهای غیرنظامی در سیاست جهانی است.

۲-۲- اهداف راهبردی رقابت ژئوپلیتیک

بازیگران از طریق رقابت ژئوپلیتیکی به دنبال کسب یا حفظ نفوذ در یک منطقه، دسترسی به منابع، تأمین امنیت انرژی، بازدارندگی در برابر دشمنان، یا ارتقای جایگاه خود در نظم بین‌الملل هستند. (Auerswald, 2020) ژئوپلیتیک معاصر تنها به تسلط فیزیکی بر سرزمین‌ها محدود نمی‌شود، بلکه شامل بازنمایی روایی و مشروعیت‌سازی نظم فضا محور نیز هست. (Ó Tuathail, 1996) چین از طریق گفتمان توسعه محور، تلاش می‌کند کریدورهای خود را به عنوان «مسیرهای همکاری برد-برد» معرفی کند. در مقابل، ایالات متحده و متحدانش با تأکید بر «شفافیت مالی»، «استانداردهای زیست‌محیطی» و «مشارکت برابر»، مشروعیت سیاسی ابتکار کمربند و راه را به چالش می‌کشند. این رقابت روایی، بعدی نرم از رقابت ژئوپلیتیکی را تشکیل می‌دهد که تأثیر مستقیمی بر انتخاب راهبردی کشورهای ثالث دارد.

¹. Quadrilateral Security Dialogue (QUAD or QSD)

². AUKUS

³. Asian Infrastructure Investment Bank (AIIB)

⁴. Partnership for Global Infrastructure and Investment (PGII)

⁵. Build / Back Better World (B3W)

ابتکار B3W یک طرح است که توسط کشورهای G7 به رهبری آمریکا برای کمک به توسعه زیرساخت‌ها در کشورهای کم‌درآمد و متوسط ایجاد شده و به عنوان یک پاسخ به ابتکار کمربند و راه در نظر گرفته می‌شود. هدف اصلی B3W ارائه جایگزینی برای طرح چین و افزایش نفوذ غرب در این کشورها است.

۳-۲- پویایی‌های منطقه‌ای و مداخلات فرمانطقه‌ای

رقابت ژئوپلیتیکی اغلب در قالب درگیری‌های چندلایه شکل می‌گیرد؛ مثلاً رقابت چین و هند در آسیای جنوبی با مداخله ایالات متحده یا رقابت ایران و عربستان در غرب آسیا با نقش آفرینی روسیه و چین گره خورده است (Wilkins, 2022: 91-106). در نهایت، رقابت ژئوپلیتیکی چین و هند با میانجی‌گری آمریکا، مناطق واسطه مانند آسیای مرکزی، خلیج فارس، قفقاز و شرق آفریقا را به فضاهاى رقابت بدل کرده است. این مناطق به واسطه موقعیت ترانزیتی یا ذخایر راهبردی، به کانونی برای سیاست‌گذاری‌های زیربنایی و دیپلماتیک قدرت‌های بزرگ تبدیل شده‌اند. در نتیجه، تحلیل رقابت ژئوپلیتیکی مستلزم درک نقش این مناطق در توازن قوا، تأثیرگذاری بر پروژه‌ها، و انتخاب‌های سیاسی-اقتصادی آن‌هاست.

۴-۲- رقابت ژئوپلیتیکی و سیاست خارجی

یکی از مهم‌ترین پیامدهای رقابت ژئوپلیتیکی، بازتاب آن در راهبردهای سیاست خارجی کشورهاست. بازیگران تلاش می‌کنند از طریق تنظیم ائتلاف‌ها، دیپلماسی چندلایه، توازن‌سازی و تنوع‌بخشی به روابط خارجی، موقعیت خود را در عرصه رقابت تثبیت کنند. برای نمونه، هند با بهره‌گیری از حمایت ایالات متحده و همکاری با کشورهای غربی، به دنبال مقابله با نفوذ چین در آسیا است؛ در مقابل، چین با گسترش ابتکار کمربند و راه، تلاش دارد نظم ژئوپلیتیکی جدیدی در اوراسیا ایجاد کند.

رقابت در عرصه کریدورها، بنادر، منابع انرژی و فناوری، بازتاب مستقیم این منطق ژئوپلیتیکی در سیاست خارجی است. همچنین، رویکردهایی نظیر «دیپلماسی زیرساختی»، «امنیت‌سازی فرامرزی» و «نظم‌سازی منطقه‌ای» نیز در چارچوب این رقابت قابل فهم است.

چارچوب نظری رقابت ژئوپلیتیکی، به مثابه یکی از ابزارهای تحلیلی مهم در روابط بین‌الملل، توانایی تبیین بسیاری از تحولات سیاسی، اقتصادی و امنیتی در نظام جهانی معاصر را دارد. این چارچوب بر اهمیت جغرافیا، منابع، قدرت و راهبردهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای تأکید دارد و می‌تواند در فهم تعاملات بازیگران کلان و نیز در تحلیل سیاست خارجی کشورهای در حال توسعه نقش مهمی ایفا کند. در جهانی که نظم بین‌المللی در حال بازتعریف است و قطب‌های قدرت در حال جابه‌جایی‌اند، رقابت ژئوپلیتیکی نه یک گزینه، بلکه یک واقعیت ساختاری در روابط بین‌الملل محسوب می‌شود. فهم این چارچوب، پیش‌شرط تحلیل دقیق‌تر روابط قدرت، راهبردهای اتصال‌پذیری و رقابت‌های در حال گسترش در جهان امروز است. از این منظر، رقابت چین و هند در عرصه کریدورها، تنها نزاعی بر سر تجارت و حمل‌ونقل نیست، بلکه مصداقی تمام‌عیار از رقابت ژئوپلیتیکی ساختاری در نظام بین‌الملل معاصر است که با حضور و مداخله فعال آمریکا، ابعاد جهانی و ژرف‌تری یافته است.

۳- روابط و رقابت ژئوپلیتیک چین و هند در دوران معاصر

روابط چین و هند از منظر رقابت ژئوپلیتیک از ۲۰۱۰ تاکنون شاهد تغییرات و تحولات بسیاری بوده است. این رقابت در زمینه‌های مختلفی از جمله مرزی، اقتصادی، نظامی و سیاسی وجود دارد و

تأثیرات گسترده‌ای بر سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی داشته است.

با آغاز دهه ۲۰۱۰، رقابت ژئوپلیتیک بین دو کشور افزایش یافته و توسعه زیرساخت‌های چین در منطقه تبت و افزایش حضور نظامی این کشور در مناطق مرزی باعث نگرانی هند شده است. از سوی دیگر، توسعه روابط هند با ایالات متحده و ژاپن به عنوان بخشی از استراتژی «محور به آسیا» به عنوان تلاشی برای محدود کردن نفوذ چین تلقی شد. در این سال‌ها منطقه آسیای جنوبی تحت نفوذ چین و هند قرار گرفته است، هر دو کشور تلاش کرده‌اند نفوذ خود را در کشورهای همسایه گسترش دهند.

در منطقه آسیای مرکزی، چین با استفاده از ابتکار کمربند و راه و سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی، نفوذ خود را افزایش داده است. هند نیز از طریق توافقات تجاری و همکاری‌های فرهنگی و آموزشی در تلاش برای تقویت روابط خود با کشورهای این منطقه است. هر دو کشور به دنبال تقویت روابط تجاری و اقتصادی خود با کشورهای منطقه هستند، رقابت برای نفوذ در سازمان‌های منطقه‌ای مانند آسه‌آن نیز یکی از جنبه‌های این رقابت ژئوپلیتیک است.

از منظر فرماندهی‌ای نیز باید گفت که چین و هند در قاره آفریقا و آمریکای لاتین نیز به دنبال گسترش نفوذ خود هستند. چین با سرمایه‌گذاری‌های کلان در پروژه‌های زیرساختی و منابع طبیعی، به عنوان یکی از بازیگران اصلی در این مناطق ظاهر شده است. هند نیز با استفاده از تاریخ مشترک و پیوندهای فرهنگی، در تلاش برای تقویت روابط خود با این مناطق است. روابط چین و هند با قدرت‌های بزرگ جهانی، از جمله ایالات متحده، روسیه و اتحادیه اروپا، نیز بخشی از رقابت ژئوپلیتیک بین آنها است. در حالی که هند در سال‌های اخیر روابط خود را با ایالات متحده و ژاپن تقویت کرده، چین به همکاری‌های نزدیک‌تر با روسیه و تعمیق روابط اقتصادی با اتحادیه اروپا پرداخته است. روابط منطقه‌ای و فرماندهی‌ای چین و هند از منظر رقابت ژئوپلیتیک پیچیده و چندوجهی است. هر دو کشور به دنبال گسترش نفوذ خود در مناطق مختلف هستند و این رقابت تأثیرات گسترده‌ای بر تحولات جهانی دارد. مدیریت این رقابت و یافتن زمینه‌های همکاری می‌تواند به ثبات و توسعه در مناطق مختلف کمک کند. (چگنی زاده و رضوی، ۱۴۰۲: ۴۱-۷)

رقابت ژئوپلیتیک بین دو کشور، تنش‌ها و درگیری‌های نظامی در مناطق مرزی، افزایش رقابت‌های نظامی و امنیتی، گسترش روابط اقتصادی و نفوذ در بازارهای منطقه‌ای و جهانی و ورود به عرصه کریدورها از مشخصه‌های بارز این عصر است.

۴- سیاست کریدوری کشورهای چین و هند؛ اهداف و برنامه‌های آمریکا در رقابت ژئوپلیتیکی میان آنها

۴-۱- سیاست کریدوری چین و اهداف ژئوپلیتیکی آن

چین طی دو دهه گذشته کوشیده است تا نقش خود را به عنوان یک قدرت ژئوپلیتیکی در حال صعود تثبیت کند؛ تلاشی که در چارچوب مفهومی «احیای عظمت ملی» و ساختار گفتمانی «چین بزرگ» بازتاب می‌شود. در این مسیر، سیاست کریدوری یکی از ابزارهای کلیدی پکن برای بازتعریف جایگاه خود در نظم جهانی و منطقه‌ای بوده است. توسعه شبکه‌ای از کریدورهای

اقتصادی، انرژی و ترانزیتی، نه تنها پیوندهای تجاری چین را گسترش داده، بلکه به اهرمی برای اعمال نفوذ سیاسی، امنیتی و ژئواستراتژیک در جغرافیای اطراف تبدیل شده است (Majeed et.al, 2023: 550).

در قلب این سیاست، ابتکار «کمر بند و راه» قرار دارد؛ طرحی عظیم که از سال ۲۰۱۳ آغاز شده و امروز به ستون فقرات راهبرد ژئوپلیتیکی چین بدل شده است (Yu, 2017: 357). «این ابتکار با دو شاخه زمینی و دریایی، چین را به اوراسیا، آفریقا و خاورمیانه متصل می‌کند. کمر بند اقتصادی راه ابریشم از طریق خطوط ریلی، جاده‌ای و زمینی، کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز، خاورمیانه و اروپا را به چین پیوند می‌دهد. هم‌زمان، راه ابریشم دریایی قرن ۲۱ نیز با توسعه شبکه‌ای از بنادر در امتداد سواحل آسیا، آفریقا و اروپا، مسیرهای دریایی چین را ایمن، متنوع و گسترده ساخته است» (Blanchard, 2020: 183). در حالی که در ظاهر، این پروژه با شعارهایی چون اتصال جهانی، توسعه مشترک و تجارت آزاد معرفی می‌شود، در واقع این ابتکار، بازتابی از تمایل پکن برای شکل‌دهی به یک نظم ژئواکونومیک جدید با محوریت خود است.

در این چارچوب، پروژه‌هایی چون کریدور اقتصادی چین-پاکستان نقش کلیدی ایفا می‌کنند. این مسیر که چین را از طریق منطقه سین کیانگ به بندر گوادر در پاکستان متصل می‌کند، دسترسی پکن به آب‌های گرم اقیانوس هند را تسهیل کرده و وابستگی آن به تنگه استراتژیک مالاکا را کاهش می‌دهد. این کریدور، در عین حال، تهدیدی جدی برای هند محسوب می‌شود؛ چراکه از مناطق مورد مناقشه کشمیر عبور می‌کند و علاوه بر نقض تمامیت ارضی مورد ادعای هند، موجب تقویت حضور نظامی چین در منطقه می‌شود (Majeed et.al, 2023: 547-557).

فراتر از آسیای جنوبی، چین در واکنش به تحولات ژئوپلیتیکی نظیر جنگ اوکراین و تحریم‌های غرب علیه روسیه، توجه خود را به مسیرهای جایگزین معطوف کرده است. تمرکز فزاینده بر «کریدور میانه» که از چین به قزاقستان، دریای خزر، قفقاز جنوبی، ترکیه و سپس اروپا امتداد دارد، نشانگر تلاش پکن برای کاستن از وابستگی به مسیرهای عبوری از روسیه و ایران است. چین با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حمل‌ونقل و بندری در کشورهای این مسیر، نه تنها دست بالا را در تجارت اوراسیایی می‌یابد، بلکه موقعیت ژئوپلیتیکی رقاباتی مانند ایران، روسیه و هند را نیز به چالش می‌کشد. برای هند به‌ویژه، این کریدور رقیبی بالقوه برای پروژه کریدور شمال-جنوب به‌شمار می‌رود و جایگاه منطقه‌ای دهلی‌نو را تضعیف می‌کند (Mansab, 2024: 26-39).

هم‌زمان، پکن به دنبال راه‌های بدیلی برای کاهش آسیب‌پذیری در برابر نقاط گلوگاهی تحت نظارت آمریکا است. کریدور چین-میانمار^۲ با اتصال استان یوننان در جنوب شرقی چین به بندر کیاک‌پیو در خلیج بنگال، امکان دستیابی مستقیم چین به اقیانوس هند را بدون عبور از تنگه مالاکا

¹. China-Pakistan Economic Corridor (CPEC)

². China-Myanmar Economic Corridor (CMEC)

فراهم می‌آورد. این پروژه بخشی از راهبرد وسیع‌تری موسوم به «رشته مرواریدها»^۱ است که شامل توسعه و کنترل تدریجی بر بنادر چیتاگونگ، هامبانتوتا و دیگر نقاط کلیدی در اطراف شبه‌قاره هند می‌شود. از دید دهلی‌نو، این روند، نشانه‌ای روشن از محاصره تدریجی هند توسط چین در حوزه اقیانوس هند است. در خلیج فارس و خاورمیانه نیز چین رویکردی فعال اتخاذ کرده است. با امضای توافق‌نامه‌های بلندمدت با قدرت‌های منطقه‌ای نظیر عربستان سعودی، امارات متحده عربی و ایران، پکن جای پای محکمی در زیرساخت‌های انرژی، حمل‌ونقل و فناوری در این منطقه بنا نهاده است. توسعه بنادر جازان، فجیره و مشارکت در پروژه‌های ایرانی نظیر توافق ۲۵ ساله، بخشی از راه ابریشم دریایی چین را شکل می‌دهند. این حضور نه تنها برای تأمین پایدار انرژی چین حیاتی است، بلکه نقشی مهم در موازنه‌سازی علیه نفوذ آمریکا در منطقه و تضعیف ابتکارات رقیب هند ایفا می‌کند. در مجموع، سیاست کریدوری چین در خدمت مجموعه‌ای از اهداف ژئوپلیتیکی مشخص است. نخست، تضمین دسترسی پایدار به منابع انرژی و بازارهای صادراتی در آسیا، آفریقا و اروپا. دوم، کاهش آسیب‌پذیری ژئواستراتژیک از طریق متنوع‌سازی مسیرهای ترانزیتی و دور زدن گلوگاه‌هایی چون تنگه مالاکا. سوم، تعمیق وابستگی زیرساختی کشورهای میزبان و استفاده از «دیپلماسی بدهی» برای افزایش نفوذ سیاسی. چهارم، احیای جایگاه تاریخی چین در مرکز مبادلات اوراسیایی و بازتعریف نظم منطقه‌ای با محوریت شرق آسیا و نهایتاً، مقابله با راهبرد مهار آمریکا و متحدانش در شرق و جنوب شرق آسیا (Mansab, 2024: 26-39).

این سیاست، البته بی‌پاسخ نمانده و هند به‌عنوان یکی از رقبای اصلی چین، با نگرانی به تحرکات فزاینده پکن در اطراف حوزه نفوذ سنتی‌اش می‌نگرد. توسعه کریدورهای چین در پاکستان، میانمار، آسیای مرکزی و خلیج فارس، عملاً حلقه‌ای از فشار ژئوپلیتیکی را پیرامون هند ایجاد کرده است. در واکنش، دهلی‌نو ضمن تعمیق همکاری با غرب و قدرت‌های منطقه‌ای، به دنبال اجرای پروژه‌های موازی و بازتعریف نقش خود در نظم کریدوری جدید اوراسیا است. از این منظر، سیاست کریدوری چین نه تنها یک طرح اقتصادی یا زیرساختی، بلکه ابزاری تمام‌عیار در خدمت رقابت‌های ژئوپلیتیکی قرن بیست‌ویکم به‌شمار می‌آید.

۴-۲- سیاست کریدوری هند و اهداف ژئوپلیتیکی آن

هند به‌عنوان یکی از قدرت‌های نوظهور آسیا با میراث تمدنی عمیق و موقعیتی ژئوپلیتیکی حساس، در دهه‌های اخیر تلاش کرده است جایگاه خود را به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای و بین‌المللی تثبیت کند. با این حال، ظهور شتابان چین و طرح‌های جاه‌طلبانه‌ای نظیر «ابتکار کمربند و راه»، چشم‌انداز ژئوپلیتیکی جنوب آسیا را دگرگون کرده و هند را در برابر واقعیت جدیدی قرار داده است: اگر می‌خواهد از حاشیه‌نشینی ژئواستراتژیک بگریزد و در نظم اوراسیایی نقش ایفا کند، ناگزیر است سیاست اتصال‌محور و مبتنی بر کریدورهای خود را فعال سازد.

در واکنش به سلطه‌ی فزاینده چین بر مسیرهای تجاری و ژئواستراتژیک منطقه‌ای، دهلی‌نو رویکردی موسوم به «دیپلماسی کریدوری» اتخاذ کرده است. این سیاست، ترکیبی از اقدامات

^۱. String of Pearls

زیرساختی، مشارکت‌های راهبردی و ابتکارات منطقه‌ای است که هدف آن ایجاد مسیرهای جایگزین برای اتصال به بازارهای آسیای مرکزی، خاورمیانه، اروپا و فراتر از آن است (Zakharov, 2023: 216-234). در قلب این راهبرد، کریدور بین‌المللی حمل‌ونقل شمال-جنوب قرار دارد؛ مسیری که از بمبئی آغاز می‌شود، از طریق بندر چابهار و خاک ایران به قفقاز، روسیه و اروپا می‌رسد. این مسیر چند مزیت عمده برای هند دارد: نخست آنکه برخلاف مسیرهای عبوری از پاکستان و چین، به‌طور کامل مستقل و همسو با منافع دهلی‌نو طراحی شده است؛ دوم آنکه با بهره‌گیری از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی ایران به هند امکان می‌دهد به بازارهای آسیای مرکزی و روسیه متصل شود؛ و سوم آنکه رقابت مستقیم با پروژه کریدور اقتصادی چین-پاکستان را ممکن می‌سازد. در این چارچوب، بندر چابهار به‌عنوان لنگرگاه راهبردی سیاست کریدوری هند عمل می‌کند. چابهار نه تنها نقطه اتصال هند به منطقه اوراسیاست، بلکه از نظر ژئواستراتژیک، رقیب مستقیم بندر گوادر تحت کنترل چین در پاکستان محسوب می‌شود. سرمایه‌گذاری در چابهار برای هند تنها یک اقدام اقتصادی نیست؛ بلکه بخشی از تلاش بزرگ‌تر برای ایجاد موازنه در برابر نفوذ فزاینده چین در دریای عرب و سواحل جنوبی ایران است.

در سطحی وسیع‌تر، هند در تلاش برای گسترش حضور جهانی خود، با مشارکت آمریکا و شرکای غربی، پروژه جدیدی به‌نام «کریدور هند-خاورمیانه-اروپا» را معرفی کرده است. این ابتکار که در حاشیه نشست گروه ۲۰ در سال ۲۰۲۳ رونمایی شد، شامل یک مسیر ترکیبی ریلی، دریایی و دیجیتالی است که هند را از طریق امارات، عربستان، اردن، اسرائیل و یونان به اروپا متصل می‌سازد. «آی‌مک» در واقع پاسخی است به سلطه زیرساختی چین در آسیا و خاورمیانه و می‌کوشد هند را به‌عنوان شریک اول غرب در پروژه‌های اتصال جهانی معرفی کند. این کریدور، اگرچه در مراحل اولیه توسعه است، ظرفیت آن را دارد که هند را از وابستگی به مسیرهای تحت کنترل چین و روسیه برهاند و نفوذ ژئواکونومیک آن را در خاورمیانه و مدیترانه شرقی گسترش دهد (Zakharov, 2023: 216-234).

در حوزه دریایی نیز، هند به‌خوبی دریافته که نمی‌تواند نسبت به حضور پررنگ چین در اقیانوس هند بی‌تفاوت بماند. پروژه «رشته مرواریدها»ی چین، که شامل توسعه بنادر استراتژیک در سریلانکا، مالدیو، بنگلادش و میانمار می‌شود، عملاً نوعی محاصره ژئواستراتژیک برای هند ایجاد کرده است. در پاسخ، دهلی‌نو ابتکار «ساگار» (امنیت و رشد برای همه در منطقه) را طراحی کرده تا از طریق همکاری‌های امنیتی، سرمایه‌گذاری‌های بندری و رزمایش‌های دریایی با کشورهای چون سریلانکا، مالدیو، موریس، اندونزی و همچنین قدرت‌هایی مانند آمریکا، فرانسه و استرالیا، جایگاه خود را در معادلات دریایی تثبیت کند. هدف از این رویکرد، نه فقط تأمین امنیت خطوط کشتیرانی هند، بلکه تعریف مجدد هند به‌عنوان قدرت برتر دریایی در جنوب آسیا و اقیانوس هند است (Rajagopalan, 2022).

یکی دیگر از عرصه‌های حیاتی سیاست کریدوری هند، نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز است؛ مناطقی که به دلیل نبود مرز مستقیم با هند، دسترسی به آن‌ها همواره با دشواری همراه بوده است.

کریدور بین‌المللی حمل‌ونقل شمال-جنوب در این زمینه نقش تسهیل‌گر دارد و مسیرهای جایگزین را برای دسترسی به قزاقستان، ترکمنستان، گرجستان، ارمنستان و حتی یونان فراهم می‌سازد. «رویکرد هند در این زمینه مبتنی بر چندجانبه‌گرایی جغرافیایی است؛ به‌طوری که سعی دارد وابستگی خود را به مسیرهای تحت کنترل چین و روسیه کاهش داده و به کمک ایران، آذربایجان و متحدان اروپایی‌اش، نقشه اتصال خود به غرب اوراسیا را بازتعریف کند» (Zakharov, 2023: 216-234).

نکته مهم در سیاست کریدوری هند، نحوه تعامل آن با قدرت‌های غربی است. برخلاف چین که سیاستی مبتنی بر اعطای وام، اجرای پروژه‌های دولتی و ساختارهای وابسته اقتصادی را دنبال می‌کند، هند به دنبال ائتلاف‌های هم‌راستا با قدرت‌های غربی، از جمله آمریکا، فرانسه، ژاپن و استرالیا است. در این ائتلاف‌ها، هند ضمن حفظ استقلال راهبردی خود، از ظرفیت‌های مالی، فنی و دیپلماتیک شرکای غربی برای رقابت با پروژه‌های چینی بهره می‌برد. مشارکت هند در آی‌مک و رزمایش‌های دریایی چهار جانبه «کواد» نمونه‌هایی از این راهبرد چندلایه‌اند. برخی تحلیل‌گران حتی از شکل‌گیری نوعی «شراکت مهار چین» در بستر همکاری‌های آمریکا و هند سخن گفته‌اند. با این حال، سیاست کریدوری هند نیز با محدودیت‌ها و چالش‌هایی مواجه است. تحریم‌های غرب علیه ایران بر پیشبرد پروژه چابهار و کریدور حمل‌ونقل شمال-جنوب تأثیر منفی گذاشته‌اند. همچنین، بوروکراسی داخلی، کندی در تصمیم‌گیری‌های زیرساختی و رقابت شدید چین در ارائه مشوق‌های مالی به کشورهای همسایه، اجرای سیاست‌های هند را دشوار کرده است. در عین حال، «فقدان منابع مالی گسترده مانند چین، وابستگی هند را به سرمایه‌گذاری‌های غربی افزایش داده و نوعی عدم توازن در قدرت مانور راهبردی این کشور به وجود آورده است» (Zakharov, 2023: 216-234).

در مجموع، سیاست کریدوری هند تلاشی چندوجهی برای بازتعریف نقش ژئوپلیتیکی این کشور در نظم جهانی است. این سیاست نه فقط واکنشی به نفوذ چین، بلکه تجلی اراده هند برای ایفای نقش فعال در اوراسیا، خاورمیانه و اقیانوس هند است. در رقابت جاری بر سر مسیرها و کریدورها، دهلی‌نو می‌کوشد از طریق ابتکارات هوشمندانه، مشارکت‌های چندجانبه و دیپلماسی متوازن، خود را به‌عنوان بازیگری مستقل، منعطف و آینده‌نگر در عرصه اتصال جهانی معرفی کند.

۴-۳- نقش ایالات متحده آمریکا در رقابت ژئوپلیتیکی چین و هند در عرصه کریدورها

در سال‌های اخیر، شکل‌گیری رقابت فزاینده میان چین و هند در عرصه کریدورهای اقتصادی و ژئواکونومیک، به یکی از جلوه‌های بارز تحول در نظم منطقه‌ای و جهانی بدل شده است. در این میان، ایالات متحده آمریکا نه تنها به‌عنوان ناظر بیرونی، بلکه به‌مثابه بازیگری فعال در روند شکل‌دهی به این رقابت ایفای نقش می‌کند. نقش واشنگتن در این فرآیند را باید در پیوند با تلاش‌های آن برای حفظ هژمونی خود در نظام بین‌الملل، مهار ظهور چین و حمایت راهبردی از قدرت‌های هم‌راستا با منافع غرب، به‌ویژه هند، درک کرد.

ظهور چین به‌عنوان یک قدرت جهانی با ظرفیت‌های زیرساختی، فناوریانه و مالی گسترده، نظم موجود بین‌المللی را به چالش کشیده است. ابتکار کمربند و راه، نه صرفاً یک طرح اقتصادی، بلکه پروژه‌ای ژئواستراتژیک برای بازتعریف پیوندهای منطقه‌ای و جهانی است. «از نگاه ایالات متحده،

این ابتکار، زمینه‌ساز گسترش نفوذ چین در آسیای مرکزی، جنوب آسیا، خاورمیانه، آفریقا و اروپا بوده و با هدف گذاری مستقیم بر مسیرهای حیاتی تجارت جهانی، تهدیدی بالقوه برای نظم لیبرال بین‌المللی و برتری غربی محسوب می‌شود. در پاسخ به این روند، واشنگتن راهبردی چندلایه را طراحی کرده که یکی از ارکان اصلی آن، تقویت هند به عنوان موازنه‌گر منطقه‌ای در برابر چین است» (Doshi, 2021: 342).

هند در این رقابت، جایگاهی ممتاز دارد. موقعیت ژئواستراتژیک این کشور در جنوب آسیا و اقیانوس هند، ظرفیت‌های انسانی و اقتصادی روبه‌رشد و رقابت تاریخی‌اش با چین، آن را به شریکی طبیعی برای ایالات متحده در مهار نفوذ پکن بدل کرده است. واشنگتن با امضای توافق‌نامه‌های امنیتی و اطلاعاتی با دهلی‌نو، مشارکت در رزمایش‌های مشترک مانند «کواد» و حمایت از پروژه‌های زیرساختی جایگزین، تلاش دارد تا قدرت مانور هند در عرصه منطقه‌ای را افزایش دهد. این حمایت تنها به بعد نظامی محدود نیست، بلکه در حوزه‌های سرمایه‌گذاری، فناوری، حمل‌ونقل و اتصال فرامنطقه‌ای نیز گسترش یافته است.

یکی از مهم‌ترین ابزارهای ایالات متحده برای رقابت با چین، طراحی و ترویج کریدورهای جایگزین برای مسیرهای تحت سلطه ابتکار کمربند و راه است. در این زمینه، کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا جایگاهی کلیدی دارد. این کریدور که در سال ۲۰۲۳ معرفی شد، هند را از طریق امارات، عربستان سعودی، اردن، اسرائیل و یونان به اروپا متصل می‌کند و برخلاف کمربند و راه که تحت کنترل چین است، مبتنی بر الگوی چندجانبه‌گرایی با مشارکت کشورهای هم‌پیمان با غرب طراحی شده است. هدف راهبردی آمریکا از حمایت از آی‌مک کاهش جذابیت پروژه‌های چینی برای کشورهای در حال توسعه، تقویت نقش هند در اتصال جنوب آسیا به خاورمیانه و اروپا و نهادینه‌سازی الگویی از توسعه زیرساختی بر پایه شفافیت، رقابت‌پذیری و وابستگی کمتر به منابع مالی چین است.

نقش آمریکا تنها به عرصه اقتصادی محدود نیست؛ بلکه این کشور در حوزه امنیتی نیز تلاش گسترده‌ای برای حفاظت از مسیرهای حیاتی تجارت جهانی و ممانعت از نفوذ چین بر نقاط گلوگاهی انجام داده است. حضور نیروی دریایی آمریکا در تنگه مالاکا، اقیانوس هند، خلیج فارس و دریای سرخ، بخشی از راهبرد جامع امنیتی برای کنترل کریدورهای انرژی و حمل‌ونقل جهانی است. این اقدامات، مکمل سیاست‌های اقتصادی واشنگتن در مهار نفوذ زیرساختی چین به شمار می‌روند. «افزون بر این، ایالات متحده از طریق سازوکارهای چندجانبه مانند «کواد»، «آی ۲ یو ۲» و ابتکارات گروه «جی ۷»^۱ از جمله ابتکار «ساختن جهانی بهتر» نیز بستری برای ایجاد ائتلاف‌های ضد چینی

^۱. I2U2

یک پلتفرم بین‌المللی با هدف توسعه اقتصادی، ایجاد همکاری‌های استراتژیک در آسیا و برای مهار و مقابله با روسیه و چین که از چهار کشور هند، اسرائیل، امارات متحده عربی و ایالات متحده آمریکا تشکیل شده است. این گروه بر زیرساخت‌ها، حمل‌ونقل و امنیت تمرکز دارد.

^۲. G7

و ارائه گزینه‌های جایگزین به کشورهای در حال توسعه فراهم کرده است» (Yoshihara et al, 2018: 265).

تلاش‌های آمریکا برای تضعیف ابتکار کمربند و راه، همزمان با تبلیغات گسترده درباره پیامدهای منفی آن، نظیر «تله بدهی» و وابستگی استراتژیک شدت گرفته است. واشنگتن بارها از طریق رسانه‌ها، گزارش‌های رسمی و حمایت از اندیشکده‌ها، پروژه‌های چینی را به بهره‌برداری سیاسی و استعماری نوین متهم کرده است. «مواردی همچون بندر هامبانتوتا در سریلانکا یا زیرساخت‌های چینی در آفریقا، به عنوان مصادیقی از «دیپلماسی بدهی» در روایت آمریکایی برجسته شده‌اند. ایالات متحده در این فضا تلاش دارد روایت مسلط خود از توسعه زیرساختی را در برابر الگوی چینی برجسته کند و هند در این چارچوب نقش پیشران را ایفا می‌کند» (Hillman, 2021: 215).

در مجموع، نقش ایالات متحده در رقابت ژئوپلیتیکی چین و هند در عرصه کریدورها، واجد سه بعد کلیدی است: نخست، واشنگتن به مثابه حامی راهبردی هند، با ارائه ابزارهای امنیتی، اقتصادی و دیپلماتیک، ظرفیت‌های دهلی‌نو را برای رقابت زیرساختی با پکن افزایش داده است. دوم، ایالات متحده از طریق طراحی و ترویج مسیرهای جایگزین مانند آی‌مک، در حال شکل‌دهی به نظامی موازی با نظم چین‌محور در اوراسیاست. و سوم، این کشور با بهره‌گیری از قدرت نرم و سخت خود، در پی حفظ تسلط ساختاری غرب بر مسیرهای تجارت، انرژی و زیرساخت جهانی است. اگرچه رقابت چین و هند ممکن است در سطحی دوجانبه به نظر برسد، اما بدون نقش آفرینی ایالات متحده، نه تنها شتاب و گستره کنونی آن تحقق نمی‌یافت، بلکه در مواردی نیز امکان بروز آن وجود نداشت. از این منظر، ایالات متحده نه فقط بازیگری پشتیبان، بلکه معمار فعال رقابت زیرساختی در اوراسیاست؛ بازیگری که با پیوند زدن هند به نظم ژئواکونومیک غربی، می‌کوشد همزمان با مهار چین، آینده نظم بین‌الملل را در مسیری هم‌سو با ارزش‌ها و منافع خود شکل دهد.

۴-۴- تحلیل تطبیقی سه‌جانبه رقابت ژئوپلیتیکی در عرصه کریدورها

رقابت در عرصه کریدورهای اقتصادی طی یک دهه گذشته، به تدریج از یک رقابت دوجانبه میان چین و هند به یک معادله ژئوپلیتیکی سه‌جانبه با مداخله ساختاری ایالات متحده تبدیل شده است. هر یک از این سه بازیگر دارای رویکرد، منطق راهبردی، ابزارهای اجرایی و اهداف ژئواکونومیک متفاوتی هستند؛ اما آنچه اهمیت دارد، تلاقی این رقابت‌ها در مناطق ژئوپلیتیکی حساس مانند آسیای مرکزی، اقیانوس هند، خاورمیانه و قفقاز است. در این بخش، با رویکرد تطبیقی، الگوی رفتاری این سه قدرت را بررسی می‌کنیم:

۴-۴-۱- چین و معماری نظم نوین با ابزارهای اقتصادی:

چین با «ابتکار کمربند و راه» به دنبال بازطراحی نقشه سیاسی-اقتصادی آسیا، آفریقا و اروپا است. این راهبرد، بخشی از پروژه بزرگ‌تری با عنوان «رویای چینی»^۱ محسوب می‌شود که در پی بازیابی

یک سازمان بین دولتی متشکل از کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا به اضافه اتحادیه اروپا (عضو ناظر) است. این گروه در اصل یک مجمع برای وزیران اقتصاد هفت کشور صنعتی بزرگ و هدف اصلی آن هماهنگی سیاست‌های اقتصادی و بررسی مسائل جهانی است.

^۱. The Chinese Dream

جایگاه تاریخی چین به‌عنوان قدرت مرکزی در نظام جهانی است. برخلاف تصور اولیه که کمربند و راه را صرفاً طرحی توسعه‌محور می‌دانستند، تحلیل‌های جدید آن را پروژه‌ای ژئواستراتژیک با اهداف متراکم می‌دانند: افزایش نفوذ نرم، تقویت پیوندهای اقتصادی-سیاسی، و تبدیل شدن به گره مرکزی شبکه‌های ارتباطی اوراسیا. مسیرهای کریدوری چین، از جمله کریدور اقتصادی چین-پاکستان و مسیر چین-آسیای مرکزی-اروپا، بیانگر تلاش برای شکل‌دهی به یک نظم جایگزین با کمترین وابستگی به نهادهای غربی‌اند.

۴-۲- هند و موازنه‌سازی ژئوپلیتیکی و گریز از انزوای:

هند در مقام قدرت منطقه‌ای، طرح‌های چین را تهدیدی برای موقعیت ژئوپلیتیکی خود تلقی می‌کند؛ به‌ویژه آن‌که برخی مسیرهای کمربند و راه (مانند کریدور اقتصادی چین-پاکستان) از مناطق مورد مناقشه عبور می‌کنند. از این رو، دهلی‌نو با تمرکز بر ابتکارهایی مانند پروژه بندر چابهار، کریدور شمال-جنوب، و اخیراً آی‌مک، در پی ایجاد مسیرهای موازی و مستقل است. هدف هند، ممانعت از انزوای ژئواکونومیک، تقویت اتصال‌پذیری خود به آسیای مرکزی و اروپا و در نهایت ایفای نقش به‌عنوان یک قدرت نظم‌دهنده در اوراسیاست. برخلاف چین که سرمایه و اجرا را خود به‌عهده می‌گیرد، هند بیشتر بر دیپلماسی زیربنایی، شراکت‌های چندجانبه و جذب سرمایه‌گذاری خارجی تمرکز دارد.

۴-۳- ایالات متحده و بازدارندگی ساختاری و نظم‌سازی لیبرال:

ایالات متحده آمریکا در رقابت کریدوری، از منطق متفاوتی پیروی می‌کند. برخلاف چین که اهداف خود را در قالب قدرت نرم اقتصادی دنبال می‌کند، واشنگتن این پروژه‌ها را تهدیدی ژئواستراتژیک علیه نظم بین‌المللی لیبرال می‌بیند. راهبرد ایالات متحده نه در پی تصاحب بازارها، بلکه بازدارندگی ساختاری در برابر نفوذ چین است. این بازدارندگی، از طریق پشتیبانی مالی-سیاسی از طرح‌هایی مانند B3W و آی‌مک، ائتلاف‌های امنیتی-اقتصادی مانند کواد و آی۲ یو۲ و نیز گفتمان‌سازی علیه «دیپلماسی بدهی» چین پیگیری می‌شود.

در طرح آی‌مک که در اجلاس «جی ۲۰»^۱ در دهلی‌نو (۲۰۲۳) معرفی شد، آمریکا، هند را به‌عنوان نقطه آغاز اتصال به غرب آسیا و اروپا انتخاب کرد؛ مسیری که هم به تضعیف ابتکار کمربند و راه کمک می‌کند و نیز هم‌راستایی کشورهای عربی با غرب را تحکیم می‌بخشد. همچنین، از منظر امنیتی، واشنگتن با استقرار پایگاه‌ها و ناوگان دریایی در خلیج فارس، دریای سرخ و اقیانوس هند، سعی در محافظت از مسیرهای حیاتی انرژی و تجارت دارد؛ نقشی که مکمل رقابت زیرساختی است.

در مجموع سه گانه چین-هند-آمریکا در عرصه کریدورها، از سه منطق متفاوت تبعیت می‌کند:

^۱. G20

گروه ۲۰ (G20) یک سازمان بین‌المللی که شامل ۱۹ کشور و اتحادیه اروپا و اتحادیه آفریقا می‌شود. این گروه در سال ۱۹۹۹ تأسیس شده و هدف آن ترویج رشد اقتصادی جهانی، تجارت بین‌المللی و تنظیم بازارهای مالی است. G20 به عنوان یک مجمع عمل می‌کند و یک پلتفرم جهانی برای بحث و بررسی مسائل اقتصادی مهم است.

چین به دنبال بازسازی سلسله‌مراتب اقتصادی-سیاسی اوراسیاست؛ هند در پی تعریف نقش مستقل در مقابل چین و اتصال به غرب؛ و آمریکا در جایگاه حافظ نظم موجود، به دنبال بازدارندگی ساختاری علیه پکن و تقویت موازنه با کمک هند است. این تفاوت منطقی، ریشه بسیاری از اصطکاک‌ها و اتحادهای جدید در فضای ژئواکونومیک اوراسیاست و نشان می‌دهد کریدورها تنها مسیرهای فیزیکی نیستند، بلکه کانال‌هایی برای اعمال قدرت، تعریف هویت و بازطراحی نظم بین‌المللی‌اند.

کشور	سیاست	اهداف	شواهد	مقایسه و تحلیل تطبیقی
چین	* باز تعریف جایگاه خود در نظم جهانی و منطقه‌ای * تثبیت نقش بعنوان یک قدرت ژئوپلیتیکی و توسعه شبکه کریدوری	۱- احیای جایگاه تاریخی چین در مرکز مبادلات اوراسیایی و باز تعریف این جایگاه ۲- کاهش آسیب‌پذیری از طریق متنوع‌سازی مسیرهای ترانزیتی ۳- تعمیق وابستگی زیرساختی کشورهای میزبان ۴- تضمین دسترسی پایدار به انرژی و بازار در مناطق مختلف ۵- مقابله با راهبرد آمریکا و متحدانش در شرق و جنوب شرق آسیا	* «احیای عظمت ملی» و ساختار گفتمانی «چین بزرگ» * توسعه شبکه‌ای از کریدورهای اقتصادی، انرژی و ترانزیتی منطقه و خارج از آن بویژه ابتکار کمربند و راه در عرصه زمینی و دریایی	چین با «ابتکار کمربند و راه» به دنبال بازطراحی نقشه سیاسی-اقتصادی آسیا، آفریقا و اروپا و معماری نظم نوین با ابزارهای اقتصادی است
هند	* تثبیت جایگاه بعنوان یک بازیگر مهم منطقه‌ای و بین‌المللی و باز تعریف نقش ژئوپلیتیکی * اتخاذ سیاست اتصال‌محور و مبتنی بر کریدورها	۱- ایجاد و گسترش ائتلاف‌های هم‌راستا با قدرت‌های غربی ۲- مهار چین ۳- ایفای نقش فعال در اوراسیا، خاورمیانه و اقیانوس هند	* تعامل بیشتر با قدرت‌های غربی * اتخاذ ابتکار ساگار * تلاش برای اجرای چندین کریدور از جمله کریدور بین‌المللی حمل‌ونقل شمال-جنوب و کریدور هند-خاورمیانه-اروپا (آی‌مک)	هند در پی ممانعت از انزوای ژئواکونومیک، تقویت اتصال‌پذیری به آسیای مرکزی و اروپا و در نهایت ایفای نقش به عنوان یک قدرت نظم‌دهنده در اوراسیاست
آمریکا	* تلاش برای حفظ هژمونی خود در نظام بین‌الملل * مهار چین	۱- حفظ تسلط ساختاری غرب بر مسیرهای تجارت، انرژی و زیرساخت جهانی ۲- مهار نفوذ گسترده و خزنده چین یا حمایت از هند ۳- شکل‌دهی به نظامی موازی با نظم چین‌محور در اوراسیا و هم‌سو با ارزش‌ها و منافع آمریکا	* ایفای نقش بعنوان بازیگر فعال در روند شکل‌دهی به این رقابت * طراحی و ترویج مسیرهای جایگزین مانند تعریف کریدور آی‌مک و تلاش در جهت اجرای آن	ایالات متحده آمریکا نیز در پی بازدارندگی ساختاری در برابر نفوذ چین و نظم‌سازی لیبرال است

جدول ۱- سیاست کریدوری کشورها و مقایسه و تحلیل تطبیقی آن

Table 1- Corridor Policy of Countries and Its Comparison and Comparative Analysis

منبع: (نویسندگان، ۱۴۰۴)؛ (Authors, 2025)

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش ایالات متحده آمریکا در رقابت ژئوپلیتیکی چین و هند در عرصه کریدورها، تلاش کرد نشان دهد چگونه این سه قدرت در حال بازآرایی نقشه ژئواستراتژیک و زیرساختی اوراسیا هستند. یافته‌ها حاکی از آن است که کریدورها (راه‌گذرهای زیرساختی) دیگر صرفاً مسیرهای اقتصادی یا تجاری نیستند، بلکه به ابزارهایی برای اعمال قدرت ژئوپلیتیکی، نفوذ منطقه‌ای و بازتعریف نظم جهانی تبدیل شده‌اند. در این چارچوب، رقابت میان چین و هند، که از نظر جغرافیایی، تاریخی و امنیتی ریشه‌دار است، به واسطه ورود ایالات متحده به مرحله‌ای ساختاری و چندلایه ارتقا یافته است.

چین با راه‌اندازی ابتکار کمربند و راه، سیاستی چندبعدی را دنبال می‌کند که شامل ایجاد وابستگی زیرساختی، توسعه مسیرهای تجاری، دسترسی به منابع انرژی و نفوذ سیاسی در کشورهای میزبان است. این سیاست، که زیر عنوان «رویا و عظمت چینی» بازنمایی می‌شود، در عمل تلاشی برای ایجاد یک نظم ژئواکونومیک نوین با محوریت پکن است. کریدور اقتصادی چین-پاکستان، مسیرهای زمینی آسیای مرکزی و بندرهای اقیانوس هند در چارچوب راهبردی «رشته مرواریدها»، همگی نشانگر تلاش‌های چین برای دور زدن گلوگاه‌های استراتژیک و افزایش استقلال ژئوپلیتیکی آن است.

هند در واکنش به این تحرکات، با اتکاء به پروژه‌هایی مانند کریدور شمال-جنوب، بندر چابهار و کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا به دنبال موازنه‌سازی با چین است. دهلی‌نو، در عین حال، سعی دارد با مشارکت در ائتلاف‌های راهبردی مانند گروه چهارجانبه امنیتی کواد و ائتلاف‌های نوظهور اقتصادی با آمریکا، موقعیت خود را در نظم منطقه‌ای تقویت کند. این تحرکات هند، نشانگر گذار این کشور از یک بازیگر منطقه‌ای صرف به یک قدرت متصل‌کننده جهانی است.

ایالات متحده آمریکا، برخلاف برخی تصورها که آن را صرفاً ناظر یا پشتیبان هند می‌دانند، به بازیگری فعال و ساختارساز در این رقابت تبدیل شده است. واشنگتن با طرح راهبرد «هند و اقیانوس آرام آزاد و باز»^۱ و مشارکت در پروژه‌هایی مانند آی‌مک، تلاش می‌کند از طریق موازنه‌سازی زیرساختی،^۲ سلطه چین در حوزه اتصال اقتصادی را مهار کند. سیاست بازدارندگی چندلایه^۳ ایالات متحده شامل ابزارهای دیپلماتیک، امنیتی، اقتصادی و فنی است که هدف آن حفظ نظم بین‌المللی مبتنی بر قواعد^۴ در برابر چالش‌های چین است.

در نتیجه، رقابت در عرصه کریدورها صرفاً به توسعه خطوط حمل‌ونقل محدود نیست؛ بلکه بخشی از بازآرایی ژئوپلیتیکی جهان در قرن بیست‌ویکم است. در این رقابت، هر سه بازیگر -چین، هند و آمریکا- دارای اهداف راهبردی، منطق رقابتی و ابزارهای متفاوتی هستند. چین به دنبال

^۱ Free and Open Indo-Pacific

^۲ Infrastructure Balancing

^۳ Multilayered Containment

^۴ Rules-based Order

بازتعریف جایگاه جهانی خود، هند در پی ارتقاء موقعیت و استقلال راهبردی و آمریکا در تلاش برای حفظ برتری ساختاری خود است.

در نهایت، کشورهایی که در مسیر این کریدورها قرار دارند -از جمله ایران، عربستان، امارات، ترکیه و کشورهای آسیای مرکزی- بیش از هر زمان دیگری به بازیگران ژئوپلیتیکی تبدیل شده‌اند. آن‌ها با اتخاذ دیپلماسی مسیرمحور^۱ می‌توانند از رقابت قدرت‌ها برای تأمین منافع ملی خود بهره‌برداری کنند، به شرط آن‌که توازن مناسبی میان وابستگی و استقلال ایجاد کنند.

بدین ترتیب، کریدورها در نظم جهانی جدید نه تنها ابزار توسعه، بلکه سازوکار رقابت، فشار و حتی هم‌پیمانی‌اند. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که درک رقابت ژئوپلیتیکی چین و هند بدون تحلیل نقش ساختاری ایالات متحده ناقص است و آینده این رقابت، تأثیر مستقیمی بر شکل‌گیری نقشه اتصال جهانی خواهد داشت.

منابع فارسی

۱. احمدی، س.ع.، حافظ‌نیا، م. ر.، بدیعی ازنده‌ای، م.، حیدری موصول، ط. (۱۳۹۷). تبیین نظری بسترهای رقابت ژئوپلیتیکی. *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۵۰(۱)، ۱۹۹-۲۱۶. doi: 10.22059/jhgr.2018.219553.1007328
۲. بهبودی‌نژاد، قدرت‌الله. (۱۴۰۰). ابتکار امریکایی ساختن جهانی بهتر در مقابل ابتکار کمربند - راه چین. *مرکز بین‌المللی مطالعات صلح*، <http://peace-ipsc.org/fa>
۳. تیشه‌یار، م.، فتحی، م.، دشتگرد، م. (۱۳۹۷). رقابت هژمونیک هندوستان و چین در جنوب و جنوب شرق آسیا. *فصلنامه مطالعات شبه قاره*، ۳۴، ۶۵-۸۶. doi: 10.22111/jsr.2018.4064
۴. چگنی زاده، غ.، رضوی، ح. (۱۴۰۲). جایگاه اقیانوس هند در رقابت‌های راهبردی هند-چین (۲۰۲۲-۲۰۱۳)، *فصلنامه سیاست جهانی*، ۴۳، ۷-۴۱. doi: 10.22124/wp.2023.23344.3109
۵. خوانساری، علی، و نورمحمدی، مرتضی. (۱۴۰۳). مؤلفه‌ها و چالش‌های سیاست خارجی چین در قبال عربستان سعودی. *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۲۱(۳)، ۳۴۷-۳۲۳. doi: 10.22034/isj.2024.394553.1995
۶. دهشیار، ح.، پورباقور، م. (۱۴۰۲). رقابت راهبردی آمریکا و چین در طرح‌های زیرساختی ساخت جهانی بهتر و کمربند-راه. *فصلنامه پژوهش‌های بین‌المللی*، ۱۳(۱)، ۷-۵۰. doi: 10.22034/irr.2023.354756.2241
۷. غفارزاده، ل.، برزگر، ک.، توسلی رکن‌آبادی، م. (۱۴۰۳). جنگ تجاری آمریکا و چین؛ تأثیرات آن بر روابط ایران و چین. *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۱۴(۴)، ۶۱-۳۱. doi: 10.22.34/ir.2023.403527.2401
۸. کمال‌یار، ا.، میرترابی، س.، مدرس، م. (۱۴۰۳). راهبرد مهار آمریکا و گسترش حضور بین

^۱. Corridor Diplomacy

الملی چین در قالب ابتکار کمربند و راه. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۴(۴)، ۸۸-۶۳،

doi:10.22.36/ir.2025.491459.2635

۹. مصلح، ق.، بغیری، علی. (۱۴۰۳). شناسایی گفتمانهای سیاست خارجی چین در قبال ایالات متحده آمریکا ۱۹۹۱-۲۰۱۵. شانزدهمین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، اجتماعی و سبک زندگی، <https://civilica.com/doc/2151761>

English References

1. Auerswald, D.P. (2020). Arctic Narratives and Geopolitical Competition. In: Weber, J. (eds) Handbook on Geopolitics and Security in the Arctic. Frontiers in International Relations. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-030-45005-2_15
2. Blanchard, J.-M. (2020). China's Maritime Silk Road Initiative and Southeast Asia: Dilemmas, Doubts, and Determination. *Journal of Contemporary China*, 29 (122), 179–195. <https://doi.org/10.1080/10670564.2019.1637560>.
3. Cheterian, V. (2023). Friend and foe: Russia–Turkey relations before and after the war in Ukraine. *European Security*, 32(3), 1271-1294. <https://doi.org/10.1080/09592318.2023.2185443>
4. Delvoie, L. A. (1997). Review of Strategic Geography and the Changing Middle East, by G. Kemp & R. E. Harkavy]. *International Journal*, 53(1), 187–188. <https://doi.org/10.2307/40203286>
5. Doshi, Rush. (2021). The Long Game: China's Grand Strategy to Displace American Order. London: Oxford University Press.
6. Hillman, J. E. (2021). The Digital Silk Road: China's Quest to Wire the World and Win the Future. New York: Harper Business.
7. Hoekman, Bernard and Mavroidis, Petros C. and Nelson, Douglas R., Reform Robert Schuman. (2022). Geopolitical Competition, Globalization and WTO. *Centre for Advanced Studies Research Paper*, No. RSC_67, Available at SSRN: at: <https://ssrn.com/abstract=4285644> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4285644>
8. Hollis III, D. W. (2023). The American century and its challenges: U.S., Russia, P.R. China. *Journal of Interdisciplinary Studies*, 35(1/2), 81-102. <https://doi.org/10.5840/jis2023351/24>
9. Khanna, Parag. (2016). Connectography: Mapping the Future of Global Civilization. New York: Random House. at: <https://www.paragkhanna.com/book/connectography-mapping-the-future-of-global-civilization>
10. Kolossov, V., & Turovsky, R. (2007). Russian geopolitics at the Fin-de-siecle. *Geopolitics*, 12(1), 141-164. <https://doi.org/10.1080/14650040108407711>
11. Mackinder, H. J. (1904). The geographical pivot of history. *The Geographical Journal*,

- 23(4), 421–437. at:
https://ndisc.nd.edu/assets/422105/mackinder_1904_heartland_article_17_pages.pdf
12. Majeed, T., Anwar, Z., & Bashir, F. (2023). CPEC: Pakistan and China's joint step towards a shared destiny. *Asian Journal of Comparative Politics*, 8(2), 547-557. <https://doi.org/10.1177/20578911231156102> (Original work published 2023).
13. Mansab, M. (2024). Unveiling the Energy Nexus: The Trilateral Confluence Energy Corridor (TCEC) between China, Pakistan, and Iran. *Hong Kong Review of Belt and Road Studies*, (3), 26-39. <https://doi.org/10.63596/oborjournal.3.2024.26-39>.
14. Mearsheimer, J. J. (2001). *The Tragedy of Great Power Politics*. New York: W. W. Norton & Company. at: <https://samuelbhfaure.com/wp-content/uploads/2015/10/s2-mearsheimer-2001.pdf>
15. Mearsheimer, J. J. (2014). *The Tragedy of Great Power Politics* (Updated ed.). W. W. Norton & Company.
16. Mykhailova-Kacimi, D. (2022). Geopolitical competition of global powers during the COVID-19 pandemic. *Przegląd europejski*, 2022(1), 133-144. <https://doi.org/10.31338/1641-2478pe.1.22.9>
17. Ó Tuathail, G. (1996). *Critical Geopolitics: The Politics of Writing Global Space*. Minneapolis: *University of Minnesota Press*. at: <https://www.amazon.com/Critical-Geopolitics-Politics-Writing-Global/dp/0816624400>.
18. Rajagopalan, R. P. (2022, August 9). India's Latest Concerns with the China-Pakistan Economic Corridor. *The Diplomat*. at: <https://thediplomat.com/2022/08/indias-latest-concerns-with-the-china-pakistan-economic-corridor/indiandiplomacy.org+4thediplomat.com+4orfonline.org+4>.
19. Spykman, N. J. (1942). *America's Strategy in World Politics: The United States and the Balance of Power*. New York: Harcourt, Brace. at: <https://global-strategy.org/geopolitical-drive-spykman-macarthur-and-why-taiwan-matters-to-the-united-states>
20. Yoshihara, T., & Holmes, J. R. (2018). *Red Star over the Pacific: China's Rise and the Challenge to U.S. Maritime Strategy* (2nd ed.). Washington Dc: *Naval Institute Press*.
21. Yu, H. (2017). Motivation behind China's 'One Belt, One Road' Initiatives and Establishment of the Asian Infrastructure Investment Bank. *Journal of Contemporary China*, 26 (105), 353–368. <https://doi.org/10.1080/10670564.2016.1245894>.
22. Waltz, K. N. (1979). *Theory of International Politics*. Reading, MA: Addison-Wesley. at:
https://d11.cuni.cz/pluginfile.php/486328/mod_resource/content/0/Kenneth%20N.%20Waltz%20Theory%20of%20International%20Politics%20AddisonWesley%20series%2

0in%20political%20science%20%20%20%201979.pdf

23. Wilkins, T. (2022). The South Pacific: A new arena for strategic competition among the major powers. *East Asian Policy*, 14(4), 91-106. <https://doi.org/10.1142/S1793930522000307>
24. Zakharov, A. (2023). The International North-South Transport Corridor: The Prospects and Challenges for Connectivity between Russia and India. *MGIMO Review of International Relations*, 16(2), 216-234.

Translated References to English

1. Ahmadi, S A. Hafeznia, M R. Badienezandahi, M. Haydarimouslo, T. (2018). Theoretical Explanation of the Foundations Forming Geopolitical Competition. *Human Geography Research*, 50(1), 199-216. doi: 10.22059/jhgr.2018.219553.1007328, **(In Persian)**.
2. Auerswald, D.P. (2020). Arctic Narratives and Geopolitical Competition. In: Weber, J. (eds) Handbook on Geopolitics and Security in the Arctic. Frontiers in International Relations. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-030-45005-2_15
3. Behboodinejad, Gh. (2021). The American Initiative for a Better World versus the Chinese Belt and Road Initiative. *International Center for Peace Studies*. At: <http://peace-ipsc.org/fa/> **(In Persian)**.
4. Blanchard, J.-M. (2020). China's Maritime Silk Road Initiative and Southeast Asia: Dilemmas, Doubts, and Determination. *Journal of Contemporary China*, 29 (122), 179–195. <https://doi.org/10.1080/10670564.2019.1637560>.
5. Chegnizadeh, G .Razavi, H. (2023). The Role of the Indian Ocean in Strategic Competition between India and China (2013-2022). *Journal of Global Politics*, 12(1), 7-41, doi: 10.22124/wp.2023.23344.3109, **(In Persian)**.
6. Cheterian, V. (2023). Friend and foe: Russia–Turkey relations before and after the war in Ukraine. *European Security*, 32(3), 1271-1294. doi.org/10.1080/09592318.2023.2185443.
7. Daheshiar, H. Pourbagher, M. (2023). U.S.-China Strategic Competition in Build Back Better World and Belt and Road Initiative. *International Relations Research*. 13(1). 7-50. doi: 10.22034/irr.2023.354756.2241, **(In Persian)**.
8. Delvoie, L. A. (1997). [Review of *Strategic Geography and the Changing Middle East*, by G. Kemp & R. E. Harkavy]. *International Journal*, 53(1), 187–188. <https://doi.org/10.2307/40203286>
9. Doshi, Rush. (2021). The Long Game: China's Grand Strategy to Displace American Order. London: *Oxford University Press*.

10. Ghafarzadeh, Leila, Barzegar, Kayhan and Tavassoli Roknabadi, Majid. (2024). United States and China's Trade War: The Effects on Iran-China. *International Relations Research*, 14(4), 31-61, doi: 10.22.34/ir.2023.403527.2401, **(In Persian)**.
11. Hillman, J. E. (2021). *The Digital Silk Road: China's Quest to Wire the World and Win the Future*. New York: *Harper Business*.
12. Hoekman, Bernard and Mavroidis, Petros C. and Nelson, Douglas R., Reform Robert Schuman. (2022). Geopolitical Competition, Globalization and WTO. *Centre for Advanced Studies Research Paper*, No. RSC_67, Available at SSRN: at: <https://ssrn.com/abstract=4285644> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4285644>
13. Hollis III, D. W. (2023). The American century and its challenges: U.S., Russia, P.R. China. *Journal of Interdisciplinary Studies*, 35(1/2), 81-102. <https://doi.org/10.5840/jis2023351/24>
14. Kamalyar, A., Mirtorabi, S., Modarres, M. (2024). U.S. Containment Strategy and the Expansion of China's International Presence through the Belt and Road Initiative, *International Relations Research*, 14(4), 63-88. doi:10.22.36/ir.2025.491459.2635, **(In Persian)**.
15. Khanna, Parag. (2016). *Connectography: Mapping the Future of Global Civilization*. New York: *Random House*. at: <https://www.paragkhanna.com/book/connectography-mapping-the-future-of-global-civilization>
16. Khansari, A., and Nourmohmmadi, M. (2024). Components and Challenges of China's Foreign Policy towards Saudi Arabia. *International Studies Journal (ISJ)*, 21(3), 323-347. doi: 10.22034/isj.2024.394553.1995 **(In Persian)**.
17. Kolossov, V., & Turovsky, R. (2007). Russian geopolitics at the Fin-de-siecle. *Geopolitics*, 12(1), 141-164. <https://doi.org/10.1080/14650040108407711>
18. Mackinder, H. J. (1904). The geographical pivot of history. *The Geographical Journal*, 23(4), 421-437. at: https://ndisc.nd.edu/assets/422105/mackinder_1904_heartland_article_17_pages.pdf
19. Majeed, T., Anwar, Z., & Bashir, F. (2023). CPEC: Pakistan and China's joint step towards a shared destiny. *Asian Journal of Comparative Politics*, 8(2), 547-557. at: <https://doi.org/10.1177/20578911231156102> (Original work published 2023).
20. Mansab, M. (2024). Unveiling the Energy Nexus: The Trilateral Confluence Energy Corridor (TCEC) between China, Pakistan, and Iran. *Hong Kong Review of Belt and Road Studies*, (3), 26-39. <https://doi.org/10.63596/oborjournal.3.2024.26-39>.
21. Mearsheimer, J. J. (2001). *The Tragedy of Great Power Politics*. New York: W. W. Norton & Company. at: <https://samuelbhfaure.com/wp-content/uploads/2015/10/s2-mearsheimer-2001.pdf>.

22. Mearsheimer, J. J. (2014). *The Tragedy of Great Power Politics* (Updated ed.). W. W. Norton & Company.
23. Mosleh, Gh. Beghayri, A. (2024). Identifying China's Foreign Policy Discourses Towards the United States 1991-2015. At: <https://civilica.com/doc/2151761>, **(In Persian)**.
24. Mykhailova-Kacimi, D. (2022). Geopolitical competition of global powers during the COVID-19 pandemic. *Przegląd europejski*, 2022(1), 133-144. <https://doi.org/10.31338/1641-2478pe.1.22.9>.
25. Ó Tuathail, G. (1996). *Critical Geopolitics: The Politics of Writing Global Space*. Minneapolis: *University of Minnesota Press*. at: <https://www.amazon.com/Critical-Geopolitics-Politics-Writing-Global/dp/0816624400>.
26. Spykman, N. J. (1942). *America's Strategy in World Politics: The United States and the Balance of Power*. New York: *Harcourt, Brace*. <https://global-strategy.org/geopolitical-drive-spykman-macarthur-and-why-taiwan-matters-to-the-united-states>
27. Tishehyar, Mandana. Fathi, Mohammad Javad. (2018). Hegemonic Competition between India and China in South and Southeast Asia, *Journal of Subcontinent Studies*, Issue 34, 65-86. at: https://jsr.usb.ac.ir/article_4064.html, **(In Persian)**.
28. Yoshihara, T., & Holmes, J. R. (2018). *Red Star over the Pacific: China's Rise and the Challenge to U.S. Maritime Strategy* (2nd ed.). Washington Dc: *Naval Institute Press*.
29. Yu, H. (2017). Motivation behind China's 'One Belt, One Road' Initiatives and Establishment of the Asian Infrastructure Investment Bank. *Journal of Contemporary China*, 26 (105), 353–368. <https://doi.org/10.1080/10670564.2016.1245894>.
30. Waltz, K. N. (1979). *Theory of International Politics*. Reading, MA: Addison-Wesley. at: https://dl1.cuni.cz/pluginfile.php/486328/mod_resource/content/0/Kenneth%20N.%20Waltz%20Theory%20of%20International%20Politics%20AddisonWesley%20series%20in%20political%20science%20%20%20%201979.pdf.
31. Wilkins, T. (2022). The South Pacific: A new arena for strategic competition among the major powers. *East Asian Policy*, 14(4), 91-106. <https://doi.org/10.1142/S1793930522000307>.
32. Zakharov, A. (2023). The International North-South Transport Corridor: The Prospects and Challenges for Connectivity between Russia and India. *MGIMO Review of International Relations*, 16(2), 216-234.